روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۴ • ۹ صفر ۱۴۴۷ • ۳ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۷۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۶ • اذان صبح فردا ۳:۳۹ • طلوع آفتاب ۵:۱۵

طبق آخرین آمار ارائه‌شده از سوی استانداری اصفهان، نزدیک به ۶۰۰ هزار اتباع در استان حضور دارند که حدود ۴۲۰ تا ۴۳۰ هزار نفر مجاز و بقیه غیرمجاز هستند. روزانه دو هزار نفر اتباع افغانستانی غیرمجاز به‌صورت خودمعرف و غیر خودمعرف در حال خروج از استان اصفهان هستند. عکس: احمدرضا طاهری، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

داغی که قتل مهرجویی بر دل سینما گذاشت

آن روز خیابان منتهی به تالار وحدت مملو از جمعیتی بود که برای تشییع پیکر دو نفر از اهالی سینما آمده بودند؛ تشییع داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر. مردم با بهت و حیرت ایستاده بودند. مراسم را بهرام رادان اداره می‌کرد. این‌همه چهره گریان را به‌ندرت می‌توان در جمعی دید. مسعود کیمیایی، بهمن فرمان‌آرا، فرامرز قریبیان، پارسا پیروزفر، حسن پورشیرازی، جعفر پناهی، مهران مدیری، رخشان بنی‌اعتماد، گلاب آدینه و... سر بر گریبان بودند و تلاش می‌کردند. مانی حقیقی، امین حیایی و پژمان بازغی به دیوار تکیه داده بودند. اشک‌های مونا مهرجویی پایانی نداشت، هرچند وقتی او را به بالای صحنه صدا کردند، خیلی محکم سخن گفت. وقتی علی مصفا و رضا درمیشیان با شکسته‌ترین حالت انسانی تابوت مهرجویی و محمدی‌فر را به میان جمع آوردند، اشک‌ها سرازیر شد. تالار وحدت هیچ‌گاه شاهد این‌همه غم و درد هنرمندان نبود. کمی قبل‌تر نیز پیکر یکی دیگر از اهالی سینما یعنی کیومرث پوراحمد را تشییع کرده بودند، اما انگار اهالی هنر و سینما با خود فکر می‌کردند نفر بعدی این فهرست چه کسی خواهد بود. بیتا فرهی نیز خیلی زود به جمع رفتگان پیوست. برخی فکر می‌کنند بازیگر فیلم‌های بانو و هامون فیلم‌های مهرجویی که سراسیمه از فرانسه به ایران بازگشت، نتوانست این داغ را تحمل کند. این قتل، موجی از خشم، اندوه و پرسش را در جامعه هنری و روشنفکری ایران برانگیخت. در آن زمان، خانه سینما از تعطیلی سراسری پروژه‌های سینمایی هم‌زمان با تشییع خبر داد و انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران در بیانیه‌ای تأکید کرد: «این نه تسلیت، بلکه اعلام خشم است... . چه کسی این میزانسن هولناک را چیده؟». در کنار این، صداوسیما هم بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و از «ضایعه‌ای دردناک» سخن گفت، اما سابقه شکایت‌های متعدد مهرجویی از عملکرد این نهاد، ازجمله پخش بدون اجازه آثارش و بایکوت پروژه‌هایش، این همدردی رسمی را در نظر بسیاری متناقض و بی‌مقدار جلوه داد.

حالا نزدیک دو سال از ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ که اعلام شد داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر به قتل رسیدند، گذشته است؛ اتفاقی که جامعه هنری و مردم را هم‌زمان تکان داد. درحالی‌که سؤال‌های بسیاری مطرح بود، اعلام شده روند قضائی به پایان رسیده است. دخترش از بخشیدن قصاص خبر داده است. ۵۰۰ نفر از اهالی هنر و فرهنگ درخواست کرده بودند که اعدام انجام نشود و خانواده نیز خود بر این اعتقاد بودند. اولیای‌دم، با گذشت از قصاص، تنها بر یک خواسته پافشاری می‌کنند: «کشف حقیقت». در همین زمینه نوبان فشندی، وکیل مادر محمدی‌فر، بارها تأکید کرده است که انگیزه‌های ارائه‌شده برای چنین جنایتی «هیچ تناسبی با شدت آن ندارد» و حقیقت، آن‌گونه که باید، کشف نشده است. به گفته او، مجازات مباشر، بدون شناسایی مسبب یا محرک اصلی، نه‌تنها ناقص، بلکه گمراه‌کننده است. ازجمله نکاتی که هنوز هم روشن نشده، نوع پوشش داریوش مهرجویی در لحظه مرگ است. گفته می‌شود او لباسی بر تن داشت که معمولا در خانه نمی‌پوشیده. این مسئله پرسش‌هایی درباره زمان دقیق ورود به خانه یا اتفاقات پیش از قتل را تقویت کرده است. داریوش مهرجویی یکی از بزرگ‌ترین فیلم‌سازان تاریخ سینمای ایران بود که همواره از زندگی گفت و مرگ، آن‌هم چنین مرگی، قبایی نبود که به تنِ کسی چون او دوخته شده باشد. مهرجویی طی چندین دهه فیلم‌سازی، از فقر، فروپاشی طبقه متوسط و بحران هویت روشنفکران گفت و هرچه ساخت، بر دل نشست. او بخشی از تاریخ سینمای ایران و مهم‌تر از آن بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین بود و قتلش، تباهی بخشی از میراثِ فرهنگی یک سرزمین. «گادفری چشایر»، منتقد آمریکایی که آشنایی کاملی با سینمای ایران دارد، پس از مرگ او نوشت: «وقتی در اواخر دهه ۹۰ شروع به رفتن به ایران کردم، مهرجویی، عباس کیارستمی و محسن مخملباف، کارگردانانی بودند که بیشترین زمان را با آنها گذراندم و شخصا با آنها آشنا شدم. هر سه نفر خوش‌مشرب، مهربان و میهمان‌نوار بودند، اما مهرجویی از جهاتی ساده‌ترین فرد برای تعامل بود، زیرا انگلیسی‌اش بی‌نقص بود. متوجه شدم که او در موضوعات بی‌شماری به‌طور گسترده مطالعه می‌کند، بنابراین ما علاوه بر سینما درباره چیزهای زیادی صحبت کردیم. به دوستان گفتم که مهرجویی با موهای تیره ژولیده و عینک آفتابی‌اش، من را یاد «لو رید»، موسیقی‌دان و ترانه‌نویس معروف آمریکایی، می‌اندازد. «دزدان دوچرخه» ساخته «دسیکا» فیلمی بود که علاقه او را در جوانی به سینما برانگیخت. او در ۱۹سالگی برای تحصیل در رشته سینما در دانشگاه کالیفرنیا ثبت‌نام کرد اما به‌سرعت ناامید شد. درحالی‌که او می‌خواست درباره «آنتونیونی» و «گدار» بیاموزد، می‌گفت که استادانش از آن دسته افرادی بودند که خودشان نتوانستند در هالیوود حضور داشته باشند، اما فضای گندیده هالیوود را وارد کلاس کردند و آن را به ما تحمیل می‌کردند. او که منزجر شده بود، رشته خود را به فلسفه تغییر داد». او در بازگشت به ایران، اولین فیلم بلند خود را ساخت؛ یک فیلم بلند که در گیشه موفق نشد اما به دلیل پیچیدگی فنی‌اش مورد توجه قرار گرفت. مهرجویی فردی بود که با «زبان سینما» آشنایی کامل داشت و به کوچک‌ترین جزئیات در یک تولید توجه کرده است. این مهارت را می‌توانید در فیلم «گاو» ببینید؛ فیلمی که در سال ۱۹۶۹ به نظر می‌رسد (همراه با «قیصر» مسعود کیمیایی) آغازگر دهه فراخلاقیت موسوم به موج نو ایرانی (۱۹۶۹-۱۹۷۹) است. به قول خسرو شکیبایی، آقای مهرجویی (که هیچ‌وقت نام مهرجویی را بدون پیشوند آقا نمی‌آورد) نمونه خوب، درست و سالمی برای سینماگران کشور است که هم در فرایند تولید و هم در زندگی شخصی می‌توانند به این مشی حرفه‌ای ورود کنند و مانند این هنرمند سرشناس، سینما را به حاشیه و مسائل فرعی دیگر ترجیح نداده و همواره به کاوش در بطن مفهوم هستی و جریان سیال زندگی مشغول باشند.

احمد طالبی‌نژاد کارنامه داریوش مهرجویی را سرشار از فیلم‌هایی دانسته که سینمای ایران باید به داشتن‌شان ببالد. به گفته او، گرچه چند فیلم نه‌چندان موفق نیز در آثار متأخر مهرجویی دیده می‌شود، اما این ضعف‌ها بیشتر ناشی از بالارفتن سن یا شرایط دشوار فرهنگی و اجتماعی دوران بودند و چیزی از جایگاه درخشان او در تاریخ سینما نمی‌کاهند. مهرجویی فقط فیلم‌ساز نبود، روشنفکر و اندیشمند بود. او از بنیان‌گذاران کانون سینماگران پیشرو بود، یکی از فیلم‌سازان برجسته ایران بود و از چهره‌های اصلی موج نو سینمای ایران. او می‌نوشت و ترجمه می‌کرد. فیلم گاو او بود که توانست سینما را در بعد از انقلاب از حذف و تعطیلی نجات دهد. بسیاری از بازیگران سینمای ایران با او همکاری کردند و در فیلم‌هایش نقش داشتند و این خاطره خوش باعث غرورشان بود. فهرست جوایزش از برلین تا ونیز را در بر می‌گرفت. هر فیلم او یک اتفاق بود. مگر می‌شد کسی سینمای ایران را دنبال کند اما هامون، مهمان مامان، بانو، سارا، پری، درخت گلابی و... را ندیده باشد. هرچند فیلم‌های آخر او مانند لامینور، اشباح و... چندان به مذاق منتقدان خوش نیامده بود، اما او کسی بود که سینمای ایران را با وجه روشنفکری درآمیخت. یادش گرامی. هرچند به نظر می‌رسد صدور حکم نهایی بدون پاسخ به هیچ‌کدام از ابهامات، سبب شود تا برای همیشه یک زخم باز و عمیق در حافظه جمعی سینمای ایران نقش بندد؛ زخمی که با هر یادآوری، هر مرور آثار و هر بازخوانی، تازه‌تر می‌شود. افکار عمومی همچنان در پی روشن‌شدن تاریکی‌های پنهان این جنایت هستند.

گزارش‌خوانی

کارشکنی تندروها علیه وفاق ادامه دارد

هفتم مرداد بود که مجلس شورای اسلامی به وزیر فرهنگ کارت زرد داد. وزیر فرهنگ در ساعات پایانی آن روز نوشت: «ایران عزیز در خطر دیوان کینه‌توز است، بیش از هر زمان، مباد دلخوری‌های داخلی ما را از دشمنان غدار غافل کند. از ۱۱۹ نماینده‌ای که همراهی داشتند و از ۱۱۹ نماینده که نظر دیگری ابراز داشتند، سپاسگزارم. ما یک خانواده و یک ملت هستیم، هرچند با نگاه‌های متفاوت. دشمنان‌مان را ناامید کنیم». حالا با گذشت چند روز انگار دل کسانی که کارت زرد داده‌اند آرام نشده است. آن‌هم در شرایطی که کشور درگیر چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوان است. اما جریان‌های تندرو در مجلس و صداوسیما و از سوی دیگر تندروهایی در خارج از کشور همراه و هم‌نظر شده‌اند.

همدلی تندروها

چند روز بعد از دادن کارت زرد به وزیر، انتشار مطلبی همسو با سخنرانی نماینده سؤال‌کننده از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در صفحه یکی از رسانه‌های ایرانی خارج از کشور که از حامیان تحریم و حمله نظامی به ایران است، پرده تازه‌ای از مخالفت‌ها با مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را کنار زد. گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌ها حاکی از آن است که این رسانه بیش از ۱۲ میلیون دلار از دولت آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۱ تا پایان ۲۰۲۲ دریافت کرده است تا روی درخواست حمله نظامی به ایران و لزوم مداخله خارجی برای تغییر نظام حکومتی کار کند. اما مطلب عجیب این گزارش مردمی به این رسانه، تمرکز روی تخریب معاونت امور هنری، روابط‌عمومی و سازمان سینمایی است. دقیقا سه بخشی از وزارت فرهنگ که در روزهای جنگ ۱۲روزه فعالیت و حضور بیشتری داشتند. این رسانه نوشته است که پس از صدور کارت زرد نمایندگان برای سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیران زیرمجموعه فشار بی‌سابقه‌ای را به رسانه‌های منتقد وارد می‌آورند تا از انتشار مطالب نقادانه جلوگیری کنند. این همسویی تندروهای داخلی و خارجی در حالی است که به نظر می‌رسد پس از انتقادهای سیدعباس صالحی از صداوسیما، این وزارتخانه و مدیران جوانش مورد حملات هدفمندی قرار گرفته‌اند.

ادعای عجیب مجلس

توسلی، نماینده مردم بهار و کبودرآهنگ در مجلس، گفته بود: «آیا وزیر می‌داند چه فیلم‌هایی ساخته می‌شود؟ برخی از این فیلم‌ها حتی منجر به بروز طلاق شده‌اند، مثل فیلم «پیرپسر» که تأثیر منفی بر جوانان داشته است». نماینده مجلس همچنین انتقاد تندی به انتصابات در وزارت فرهنگ داشت: «یکی از معاونان وزیر با مسئول برنامه‌های «فرح» عکس یادگاری گرفته و اعضای خانواده معاون فرهنگی وزارتخانه به دلیل همکاری در اغتشاشات زندانی شده‌اند. وزیر برای برگزاری جشنواره موسیقی در بوشهر که برای آن نامه نوشته، باید پاسخ‌گو باشد. معاون وزیر برای دفتر خود سه‌میلیاردو ۸۰۰ میلیون تومان هزینه کرده است؛ چگونه می‌توان ادعای کمبود منابع را پذیرفت؟». توسلی همچنین نسبت به تشکیل کارگروه حقوقی در معاونت هنری وزارتخانه که به گفته او شامل افراد دارای سابقه امنیتی است، اعتراض و به وضعیت فضای مجازی و انتشار کتاب‌های مورد مناقشه اشاره کرد. به گزارش مهر، پس از صحبت نماینده مجلس درباره دفتر کار معاونت هنری، اهالی رسانه به ساختمان معاونت هنری وزارت فرهنگ فراخوانده شدند تا در جریان جزئیاتی از بازسازی اتاق معاون وزیر قرار بگیرند. احمدحسین فتایی، مشاور اجرائی معاون هنری، تأکید کرد رقمی که برای تعمیرات در نظر گرفته شده و هنوز هم انجام نشده است، کمتر از ۴۰۰ میلیون تومان است و برخلاف برخی فضاسازی‌ها، برنامه‌ای برای صرف هزینه‌های میلیاردی نه در گذشته و نه در حال حاضر وجود نداشته است.

۲ معاون متفاوت

فراخواندن وزیر و رئیس سازمان سینمایی و بعد هم طرح سؤال از او در صحن مجلس و دادن کارت زرد در حالی که هنوز رخم جنگ تازه است، برای بسیاری از ناظران و تحلیلگران، رفتاری عجیب قلمداد شد و به دنبال ریشه این مخالفت گشتند. این اتفاق در حالی رخ داده است که نادره رضایی و رائد فریدزاده به همراه هنرمندان و سینماگران در روزهای جنگ در حالی که خبری از برخی نمایندگان نبود، بسیار فعال بودند و اقدامات متعددی برای زنده نگه‌داشتن شهر انجام داده بود. دستاوردهای محسوس معاون هنری را می‌توان در حجم بالای تعداد کلیپ‌های موسیقی و برنامه‌های متنوع موسیقی و مذهبی که برپا شد، مشاهده کرد. آن‌هم در آن روزهای خلوت و دلگیر تهران که خبری از برخی نماینده‌ها نبود. با مروری بر عملکرد کمیسیون فرهنگی به نظر می‌رسد با اغلب انتصابات سیدعباس صالحی مشکل دارد و ترجیح این بود که همان تیم قبلی به کار خود ادامه بدهند. این را می‌توان در بازخواست مدام وزیر و کشاندن معاونانش به کمیسیون دریافت. اما این بار مشکلات معاون هنری ابعاد دیگری داشت، مانند داشتن عکس با سیدمحمد خاتمی و گلی امامی، داشتن خواهر و برادر فعال در جنبش مهسا و صدور مجوز فستیوال کوچه در بوشهر. این روند مخالفت با فعالیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حالی است که دقیقا همان بخش‌هایی که به مطالبه مردم و هنرمندان پاسخ داده شده، مورد بازخواست نمایندگان مجلس و حالا رسانه‌های خارجی قرار گرفته است. در کمال شگفتی در لحظه‌ای هستیم که تندروهای داخلی و خارجی همراه و هم‌نظر شده‌اند. در حالی که حداقل انتظاری که می‌توان از نمایندگان مجلس داشت، تلاش برای وفاق با تیم اجرائی کشور در این روزهای پرتنش است.

۲۰۰ میلیون دلار

کاخ سفید یک سالن رقص جدید به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار می‌سازد. پول این طرح را مستقیما دونالد ترامپ و دیگر اهداکنندگان ناشناس اهدا خواهند کرد و کار ساخت از ماه آینده آغاز می‌شود. ترامپ بارها قول داده بود یک سالن رقص «زیبا» در کاخ سفید بسازد. مساحت این تالار حدود هشت‌هزارو ۳۶۰ متر است و گنجایش ۶۵۰ نفر را دارد.

۱۴ میلیون نفر

یونیسف هشدار داده است بیش از ۱۴ میلیون نوزاد در جهان هنوز واکسینه نشده‌اند. طبق داده‌های تازه منتشرشده، سال گذشته ۸۹ درصد از نوزادان در سطح جهان (حدود ۱۱۵ میلیون نفر) حداقل یک دُز از واکسن حاوی دیفتری-کزاز-سیاه‌سرفه را دریافت کردند و ۸۵ درصد هر سه دُز را تکمیل کردند.

۲۳۰۰ سال

یک تحقیق جدید با استفاده از عکاسی مادون قرمز، روش‌ها و ابزارهای استفاده‌شده برای ایجاد خالکوبی در فرهنگ «پازیریک» در عصر آهن پیشین را روشن کرده است. در نتیجه این تحقیق، تصاویر خیالی حیوانات روی ساعدهای یک زن مومیایی‌شده با قدمتی دوهزارو ۳۰۰ساله، اطلاعات جدیدی درباره هنر خالکوبی در سیبری باستان فاش می‌کند.

طنزخوانی

هم‌وطن! تو تلویزیون اینترنت‌دار می‌خواهی چه کار؟

آیدین سیارسریع

در روزهای گذشته بعضی از تلویزیون‌های دوو و اسنوا با یک آپدیت از کار افتادند و باز یک‌سری شروع کردند به شلوغ‌کاری که آی، چرا کسی پاسخ‌گو نیست و آی، این چه وضعش است و از این‌دست مطالبه‌گری‌ها کردند. ما چون شک کرده بودیم که این مطالبه‌گری‌ها بحق نیست، رفتیم تحقیقی کردیم و فهمیدیم این تلویزیون‌ها فقط در صورتی از کار می‌افتند که به اینترنت وصل شوند. حالا سؤال من از این افراد این است که ای ایرانی! تو اصلا برای چی می‌خواهی تلویزیونت را به اینترنت وصل کنی؟ اولا، تو مگر اینترنت داری؟ اگر سرعتت آن‌قدر بالاست که می‌توانی در تلویزیونت برای خودت سایت و اپلیکیشن باز کنی و ول بچرخی، اول باید بررسی شود که تو به کجا وصلی؟ استارلینکی چیزی داری رو نمی‌کنی؟ ثانیا، تو اینترنت می‌خواهی که چه کار کنی؟ بروی برای خودت اپ یوتیوب بریزی و یک وی‌پی‌انی هم بچسبانی تنگش و ساعت هشت‌ونیم بنشینی منتظر عشق ابدی؟ که چه بشود؟ ببینی این اکس شاهین که آمده بالاخره یک فتنه‌ای به پا می‌کند که شاهین و طناز کات کنند یا نه؟ یا این ادعایی که ترانه می‌کند که نگار به اکسش گفته که او با مهبد کاپل شده درست است یا نه؟ این هم شد کار؟ حالا شاید برایت سؤال شود که تو خودت اینها را از کجا می‌دانی؟ من فرق می‌کنم. من اینترنت طبقاتی دارم. من از منظر هرمنوتیک گادامر و دیالکتیک استعلایی کانت و سوشال‌کانترکت‌های روسو این برنامه را می‌بینم و مواظبم تا خدای نکرده به فرهنگ ما آسیبی نرسد. تو چه کار می‌کنی؟ برای نگار کامنت می‌گذاری پرنسس (+ ایموجی ناخن در حال لاک)؟ پس اینترنت تلویزیون برای تو ضروری نیست، بلکه مضر هم هست. تو هر نیازی داشته باشی همین صداوسیمای خودمان پاسخ‌گوی آن هست. چه می‌خواهی؟ اگر فوتبال می‌خواهی نگاه کنی، همین تلویزیون خودمان همه فوتبال‌ها را پخش می‌کند. حالا اینکه رایتش را نمی‌خرند و صدای تماشاگر را حذف می‌کنند و دور تا دور استادیوم و وسط اون گردالی زمین، تبلیغ آچار سگدست ربیعی و تخمه سنجاقک را می‌کنند در عنبیه چشم آدم، حتما صلاح می‌دانند که این کار را بکنند (به شما تبلیغ دادن، شما نکن!). اگر هم سریال بخواهی نگاه کنی، صداوسیما صبح تا شب دارد سریال پخش می‌کند. این هم که هیچ‌کس این سریال‌ها را ندیده خودش مزیت است؛ یعنی هنوز به‌اصطلاح خز نشده. شما اگر تمایل به خاص‌بودن در محافل روشنفکری داشته باشید و بخواهید سه‌تا فیلم مورد علاقه‌تان را اسم ببرید که کمتر انسانی در کره خاکی دیده باشد، می‌توانید همین‌طور که به سیگار بهمن خسته‌تان پکی می‌زنید و عینک دودی گربه‌نره‌ای‌تان را جابه‌جا می‌کنید، بگویید به نظر من سه اثر برتر تاریخ، ایثارِ تارکوفسکی و قضیه پازولینی و یزدانِ منوچهر هادی است. اگر هم بخواهید اخبار و تحلیل ببینید که خدا را شکر دیگر فضای تلویزیون مثل قدیم بسته نیست و طبق گشایش‌هایی که انجام شده، میهمان‌هایی کمتردیده‌شده مثل آقایان دکتر محسن رضایی و محمدجواد لاریجانی دعوت می‌شوند. پس هم‌وطن! اینترنت را بگذار برای اهلش و برو آنتن رومیزی تهیه کن.

اتفاق‌خوانی

قحطی در غزه

نشریه تایم عکس جلد آخرین شماره خود را به عکسی از غزه اختصاص داده است. عکس از علی جادالله که از وضعیت وحشتناک قحطی در این نقطه جهان خبر می‌دهد؛ در حالی که نتانیاهو رغبتی به تأیید این فاجعه ندارد. به گزارش این نشریه، در ماه‌های مارس و آوریل سال جاری، هیچ غذایی وارد نوار غزه نشد. در ماه می، اسرائیل اعلام کرد که روند توزیع کمک‌های غذایی را از طریق نهادی به نام «بنیاد بشردوستانه غزه» بر عهده گرفته است.

یادداشت

ایران در پساجنگ

میلاد انصاری
فعال سیاسی و کارشناس علوم سیاسی

منشور ملل متحد با تصمیم حفظ نسل‌های آینده از بلای جنگ و برای رسیدن به مدارا و زیست اجتماعی مسالمت‌آمیز، تنظیم و حفظ صلح، امنیت بین‌المللی و جلوگیری از هرگونه اعمال متجاوزانه‌ای پی‌ریزی شده است. بند ۴ ماده ۲ این منشور صراحتا به اصل تمامیت ارضی دولت‌ها اختصاص یافته و براساس این بند همه دولت‌های عضو ملل متحد باید در روابط بین‌الملل خود از تهدید به زور یا توسل به آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری که حتی با اهداف ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری کنند. اگرچه امروزه حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مرزی هر کشوری به‌عنوان یک اصل جهانی مورد تصدیق و تأیید همگان است، ولی حمله نظامی وحشیانه و مذبوحانه رژیم غاصب اسرائیل به کشور ایران، تجاوزی آشکار و ضد حقوق‌بشری به حاکمیت ملی ایران و نقض صریح قواعد منشور ملل بود. با این حمله متجاوزانه عیان و اثبات شد که در عرصه بین‌الملل برخلاف اصول و اهداف منشور ملل متحد، قوانین و قواعد حقوقی جایگاه چندانی ندارد و آنچه در نظام بین‌الملل به‌وضوح حاکم است، «قانون جنگل» است. النو روزولت بیان می‌کند که هیچ‌کس در جنگ پیروز نمی‌شود و هیچ‌کس حتی در جنگ بعدی هم پیروز نخواهد شد، زیرا به تعبیر زیبای مارتین لوتر جنگ بزرگ‌ترین آفتی است که بشریت را مبتلا، دین را نابود، دولت را ویران و خانواده را نابود می‌کند.

بر همگان پر واضح و عیان است که جنگ هیچ خانه و کاشانه‌ای را آباد نکرده است که خانه و کاشانه ما (ایران) را آباد کند، اما تا زمانی که کشور ایران بین دو ایدئولوژی به‌غایت خطرناک بنیامین نتانیاهوی فاشیست کودک‌کش و دونالد ترامپ فاشیست ضد حقوق انسانی و مزید بر آن مورد حمله و تهاجم بی‌رحمانه نظامی این دو ایدئولوژی مخوف واقع می‌شود، از الزامات ضروری دولت این است که در راستای مقابله با جنگ‌طلبی آمریکا-اسرائیل، زائل‌کردن تهدیدات احتمالی این دو کشور، حفظ تمامیت ارضی و دفاع از کیان کشور باید به تمهیدات زیر نگاهی ویژه داشته باشد:

۱. حراست از همبستگی اجتماعی ایجادشده و تلاش برای تقویت این همبستگی و وفاق
۲. تقویت شبکه پدافند هوایی و بنیه دفاعی-نظامی با خرید تجهیزات مورد نیاز برای مقابله با اعمال متجاوزانه
۳. تشدید نظارت اطلاعاتی برای رصد افراد مشکوک و نظارت کافی بر ورود اتباع
۴. تقویت انسجام داخلی و آشتی همه‌جانبه ملی
۵. کاهش شکاف‌های موجود
۶. تنش‌زدایی در سیاست خارجی و احیای دیپلماسی منطقه‌ای-جهانی
۷. ترمیم اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی.

بعد از جنگ ۱۲روزه و آتش‌بس بین کشور ایران و رژیم غاصب اسرائیل به دلیل وجود افکار متجاوزانه، توهم، نبود اعتماد، اختلالات مازوخیستی و سادیستی ترامپ-نتانیاهو، از بین نرفتن سایه جنگ از سر کشور ایران و با وجود شرایط ناامطمینانی سیاسی هنوز این احتمال وجود دارد که مجدد کشور ایران مورد تهاجم و تجاوز آمریکا-اسرائیل قرار بگیرد؛ بنابراین دولت ایران باید همبستگی و انسجام داخلی ایجادشده را تقویت، شکاف‌ها را پر، شبکه پدافند هوایی را نوسازی و بنیه دفاعی-نظامی را تقویت کند تا در صورت تهدیدات احتمالی، افراط‌گری و جنگ‌افروزی آمریکا-اسرائیل، ملت مجددا متحدانه در دفاع از کیان کشور در کنار دولت به مقابله با آنها بکوشد. در شرایط پساجنگ و با توجه به شرایط موجود ترمیم اقتصاد ملی، ایجاد ثبات اقتصادی و بازگشت به مردم می‌تواند مهم‌ترین اقدام دولت ایران باشد. در جنگ ۱۲روزه محرز و مشخص شد که روسیه به‌هیچ‌وجه متحد استراتژیک قابل اتکایی برای دولت ایران نبوده و نخواهد بود. الزام‌آور است که دولت ایران با ایجاد یک موازنه منفی و با تکیه بر شعار «نه شرقی، نه غربی» در استراتژی خود در روابط بین‌الملل تجدیدنظر و به دیپلماسی فراگیر منطقه‌ای-جهانی روی بیاورد. دیپلماسی فراگیر منطقه‌ای-جهانی مبتنی بر ارزش‌های مشترک انسانی موجب شکل‌گیری یک اتحاد و همبستگی انسان‌های عدالت‌جو و جنبش‌های مردمی حق‌طلب در دهکده جهانی برای مقابله با جنگ‌طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌ها خواهد شد. بنابراین آنچه زیست اجتماعی مسالمت‌آمیز را از آلودگی به ستیزه‌جویی‌ها و خشونت‌طلبی‌ها می‌رهاند، همین همبستگی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و کرامت انسانی است. دولت ایران می‌تواند با محور قراردادن دیپلماسی فعال و فراگیر منطقه‌ای-جهانی و با یک اجماع‌سازی جهانی مبتنی بر عقلانیت، خرد و منطق ایرانی، تهدیدات آمریکا-اسرائیل را کاهش دهد و حتی آن را از بین ببرد.